

# زمانی برای دیدن بسته دوم توصیف آدم‌ها

سمیه حسینی

ارتباط

ما با آدم‌های اطرافمان بیشتر

از راه حرف زدن و نوشتن است. ما وقتی حرف می‌زنیم،

از اتفاق‌هایی که برایمان افتاده است تعریف می‌کنیم، یا از احساسات و افکارمان می‌گوییم و یا فضایی را که در آن بوده‌ایم توصیف می‌کنیم. گاهی هم می‌خواهیم آنچه را می‌دانیم به دیگران نیز یاد بدهیم. دلمان می‌خواهد چیزهایی را که کشف کرده‌ایم یا نتایج آزمایش‌هایمان را برای اطرافیان شرح دهیم و نظر آن‌ها را بپرسیم. همچنین، بگوییم رفتارهای دیگران یا بعضی اتفاق‌ها چه حسی در ما ایجاد کرده‌اند. زبان و کلمات به ما کمک می‌کنند از دنیای بیرون اطلاعات بگیریم و از دنیای درون خودمان به دیگران خبر بدهیم. هم دانسته‌ها و فکرهایمان را منتقل کنیم و هم احساساتمان را. ساده‌ترین چیزهایی که از دنیا درک می‌کنیم، آن چیزهایی است که با حواس پنج‌گانه دریافت می‌کنیم.

هرکس که می‌خواهد با دنیای درون یا دنیای بیرون از خود ارتباط برقرار کند و با آن دوست باشد، باید اول یاد بگیرد از حواس پنج‌گانه‌اش درست استفاده کند. خوب ببیند، با دقت بشنود، بوها را تشخیص دهد و مزه‌ها را درک کند. حتی لازم است که با کمک پوست بدنش نیز از محیط اطلاعات دریافت کند. اما بین این پنج حس، بینایی در دریافت اطلاعات کمک بیشتری به ما می‌کند. ما حدود هفتاد درصد از اطلاعاتمان را از طریق بینایی به دست می‌آوریم.

در قسمت قبل که بسته اول موضوع دیدن ارائه شد، طرح درس بیشتر

در راستای توصیف شیء بود، اما در این قسمت فعالیت‌هایی با تأکید

بر توصیف آدم‌ها خواهیم داشت.



۵	۴	۳	۲	۱. دختری هفت هشت ساله در پارک	
				درشت - عسلی	چشم
				گرد - کوتاه	بینی
				قرمز - گوشت آلود	دهان
				قهوه‌ای - پیوسته	ابرو
				گرد	حالت کلی صورت
				کوتاه	قد
				لاغر	اندام
				صاف - سفید - شاداب	پوست
				پر پشت - مجعد - طلایی	مو

با بچه‌ها در مورد اینکه توصیف آدم‌ها در واقع می‌تواند شامل توصیف چه چیزهایی باشد، گفت‌وگو می‌کنیم.

به بچه‌ها می‌گوییم اگر بخواهیم کسی را توصیف کنیم، باید طوری از او بگوییم یا درباره‌اش بنویسیم که دیگران بتوانند تصویر کاملی از او در ذهنشان ایجاد کنند. هر چه توصیف و در واقع معرفی ما دقیق‌تر باشد، تصویری که در ذهن بچه‌ها ایجاد می‌شود به واقعیت نزدیک‌تر خواهد بود؛ اما این توصیف شامل چه جزئیاتی می‌تواند باشد و چگونه می‌توان به بیان دقیق و کامل تصویر رسید؟

راهکار. خواندن نمونه‌های خوب از توصیف آدم‌ها و تجزیه و تحلیل آن‌ها.

برای شروع، خوب است دو سه نمونه توصیف مناسب از کتاب‌های داستان را برای بچه‌ها بخوانیم. برای مثال رولد دال در کتاب «هلوی غول پیکر»، عمه اسپایکر را این‌طور توصیف می‌کند: «عمه اسپایکر لاغر، دراز و استخوانی بود و عینک بی‌دسته دور فلزی می‌زد که با یک گیره روی بینی نوک‌تیزش قرار می‌گرفت. صدایی جیغ‌جیغی داشت و لب‌هایش باریک و دراز بود. هر وقت عصبانی یا هیجان‌زده می‌شد و می‌خواست حرف بزند، دانه‌های تف از دهانش بیرون می‌پاشید».

یا این نمونه از کتاب «ساعت وحشت» اثر آر. ال. استاین: «آقای پالمز از پشت مترسکی بیرون آمد و به طرف ما حرکت کرد. با وجود چهره بی‌حالتش، خیلی ترسناک بود. بلوز نارنجی رنگی بر تن داشت و کلاه نارنجی رنگی هم بر سر گذاشته بود. موهایش بلند و خاکستری بودند و تاروی شانه‌هایش می‌رسیدند. ریش او عجیب‌ترین ریشی بود که در عمرم دیده بودم. موهای نارنجی از روی گونه‌هایش روییده و دراز شده بودند. درست مثل الیاف نارنجی رنگی که داخل کدو تنبل دیده می‌شود. چشم‌هایش سیاه و بی‌حالت و سرد و ترسناک بودند».

بعد از خواندن نمونه‌ها، از بچه‌ها می‌خواهیم اطلاعات توصیف‌ها را دسته‌بندی کنند. با تجزیه و تحلیل نمونه‌های بالا و البته نمونه‌هایی دیگر، خیلی زود می‌توانیم به ویژگی‌های توصیف کامل برسیم.

هر توصیف خوب از آدم‌ها شامل این موارد است:  
- اجزای صورت (چشم، ابرو، بینی، دهان، حالت صورت، رنگ صورت و موها)؛

- اندام (قد، چاقی و لاغری)؛

- لباس‌ها (رنگ، جنس، مدل، تمیزی و کثیفی)؛

- وسایل همراه که نشانه‌ای از ویژگی‌های شخصی است (عینک،

عصا، پیپ، کلاه، تسبیح و چاقوی ضامن‌دار)؛

- برخی از حالت‌ها (حرف زدن، خندیدن و عصبانیت).

**تمرین.** به دانش‌آموزان می‌گوییم به قیافه پنج نفر از آدم‌هایی که در طول هفته در بیرون از خانه می‌بینند خوب دقت کنند و جدول ۱ را پر کنند. بهتر است این پنج نفر را با قیافه و سن و سال متفاوت انتخاب کنند.



بچه‌ها می‌توانند پر کردن جدول را از کلاس و در مورد دو نفر از هم کلاسی‌هایشان شروع کنند.

### قدم دوم

به بچه‌ها توضیح می‌دهیم که صفت‌های کلی مانند زشت و زیبا صفت‌های دقیقی نیستند. بعد با آن‌ها تمرین می‌کنیم که در توصیف‌هایشان به ویژگی‌های خاص توجه کنند.

راهکار. به دانش‌آموزان می‌گوییم ۲۰ دقیقه وقت دارند که در یک صفحه خودشان را توصیف کنند. می‌توانند نوشته‌شان را با این عبارت شروع کنند.

«به نظرم، ظاهر من ظاهری زیبا/ جذاب/ معمولی/ زشت/ خاص/ بامزه یا... است، زیرا...»

برای اینکه بچه‌ها را به‌دقت در توصیف ترغیب کنیم، می‌توانیم این فعالیت را به‌صورت مسابقه اجرا کنیم. به بچه‌ها می‌گوییم نوشته‌هایشان را به بقیه نشان ندهند. وقتی نوشتن بچه‌ها تمام شد، تمام برگه‌ها را جمع می‌کنیم و بعد بدون ذکر نام یکی یکی نوشته‌ها را می‌خوانیم. بچه‌ها باید حدس بزنند هر کدام از توصیف‌ها مربوط به کدام دوستشان است و در مورد دقیق بودن هر کدام از توصیف‌ها قضاوت کنند. اگر توصیفی دقیق و کامل باشد، بچه‌ها زودتر صاحب آن را تشخیص می‌دهند.

خوب است در حین نوشتن انشا، به‌طور انفرادی، در مورد خصوصیات ظاهری بچه‌ها با آن‌ها گفت‌وگو کنیم. دانش‌آموزان غالباً متوجه ویژگی‌های خاص چهره خودشان نیستند

**تمرین.** با ارائه این موضوع، از بچه‌ها می‌خواهیم یکی از اعضای خانواده‌شان را به‌طور کامل در یکی دو صفحه توصیف کنند.

«اگر دختری/ پسر/ مردی/ زنی را دیدید که...»

بدانید او خواهر/ برادر/ پدر/ مادر من است».

## قدم سوم

به دانش‌آموزان می‌گوییم گاهی لباس و وسایل خاص همراه آدم‌ها، در معرفی آن‌ها نقش کلیدی دارد.

راهکار: اول برای روشن شدن خواسته‌مان خوب است این دو مثال را برای بچه‌ها بزنیم:

**مثال اول:** «آستین‌های پیراهن قرمزش را بالا زده بود و ساعت اسپرت او با آن صفحه بزرگش توی چشم می‌زد». اطلاعاتی که این دو جمله به ما می‌دهد محدود است و ما حتی نمی‌فهمیم که شخص مورد نظر دختر است یا پسر.

**مثال دوم:** «عبای قهوه‌ای رنگ را انداخت روی دوشش و عینک ته‌استکانی‌اش را به چشم زد». از این دو جمله چه اطلاعاتی دستگیرمان می‌شود؟ این شخص مرد است، احتمالاً روحانی است و سن و سال بالایی دارد. حالا برای آنکه بچه‌ها روی موضوع تمرکز کنند، به آن‌ها می‌گوییم در یک یا دو جمله و با توصیف لباس و ابزار، بیشترین اطلاعات را در مورد یک شخص به ما بدهند. پنج دقیقه به آن‌ها وقت می‌دهیم. بعد از آن‌ها می‌خواهیم یکی یکی نوشته‌هایشان را بخوانند تا درباره‌اش گفت‌وگو کنیم.

**تمرین:** به دانش‌آموزان می‌گوییم حداقل دو نمونه توصیف آدم با تأکید بر لباس و وسایلشان در کتاب‌ها پیدا کنند.

## قدم چهارم

توصیف حالات گوناگون آدم‌ها را با دانش‌آموزان تمرین می‌کنیم.

در این قسمت به سراغ حالتی می‌رویم که حتماً در ظاهر و چهره آدم‌ها نمود دارد. هر چند ممکن است بعضی از این حالات مشخص‌تر و برخی کم‌اهمیت‌تر باشند.

راهکار: اجرای پانتومیم یا لال‌بازی.

با این بازی در واقع به بچه‌ها کمک می‌کنیم بتوانند حالت‌های گوناگون را در آدم‌ها تجسم کنند، نشان دهند و توصیف کنند. از بچه‌ها می‌خواهیم یک حالت انسانی برای خودشان در نظر بگیرند؛ حالت‌هایی مثل عصبانیت، غم، خوشحالی، اضطراب، ترس، هیجان، عجله، خستگی، گرسنگی، سرما، گرما، تقلا و تکاپو، فرار، خواب‌آلودگی، اعتراض، تفکر، تعجب و... حالا بعد از انتخاب، بچه‌ها باید یکی یکی بیایند بالای سکو و در یک دقیقه و در قالب نمایش حالت مورد نظر را اجرا کنند. بقیه دانش‌آموزان باید با توجه به این اجرا حالت مورد نظر را در یک خط توصیف کنند.

**تفکر:** دستش را زده بود زیر چانه و به یک نقطه خیره شده بود. عصبانیت: رگ‌های گردنش بیرون زده بود و دندان‌هایش را روی هم فشار می‌داد.

ممکن است دو دانش‌آموز، یک حالت مثل تفکر را به دو گونه متفاوت اجرا کنند. گفت‌وگو در مورد این تفاوت‌ها مفید خواهد بود.

**تمرین:** موضوع انشا: او شبیه هیچ‌کس نبود...

## قدم پنجم

می‌توان در راستای توصیف ظاهر، در مورد تیپ‌ها با بچه‌ها صحبت کرد.

تیپ‌ها در واقع آدم‌های آشنایی در ذهن ما هستند؛ آدم‌هایی که ندیده می‌شناسیمشان. نه تنها سر و شکل و ظاهرشان، بلکه لحن و ادبیاتشان هم برایمان آشناست. البته اینکه تیپ‌ها از کجا آمده‌اند، چطور در ذهن ما جا خوش کرده‌اند، و اینکه آیا در طول دوره‌ها تغییر هم می‌کنند، بحث مفصلی است و در این فضا نمی‌گنجد. اما مسئله قابل توجه این است که این تیپ‌ها وجود دارند؛ البته در این بخش تنها بر خصوصیات ظاهری آن‌ها تأکید می‌کنیم.

راهکار: ابتدا با بچه‌ها در مورد تیپ‌ها گفت‌وگو می‌کنیم. به آن‌ها می‌گوییم فرض کنید قرار است قصاب محل برای قربانی کردن گوسفند نذری به مدرسه بیاید. از آن‌ها می‌پرسیم که به نظرشان قصاب محل چه شکل و قیافه‌ای دارد؟ در جواب این سؤال معمولاً با این واژه‌ها مواجه می‌شویم: چاق، هیکلی، سیبیل‌های کلفت، پیش‌بند خونی و ساطور. می‌توان این فعالیت را چنین ادامه داد: اسم‌ها را روی تخته بنویسیم و از دانش‌آموزان بخواهیم جلوی هر کدام، اولین کلماتی را که به ذهنشان می‌رسد بنویسند. به بچه‌ها می‌گوییم دنبال مصداق واقعی برای این شخصیت‌ها نباشند، بلکه فقط به تصورات ذهنی‌شان توجه کنند. برای هر کدام سه یا چهار کلمه کافی است.

ناظم / فال‌گیر / زن دست‌فروش / راننده کامیون / هنرمند / هکر / معتاد / نانو / مادر بزرگ / نجار / کارگر

بعد از آنکه بچه‌ها این فعالیت را انجام دادند، می‌توان برای هر تیپ واژه و عبارت‌هایی را که بیشتر در نوشته‌های بچه‌ها تکرار شده است، جلوی آن نوشت. در واقع این‌ها همان ویژگی‌های تیپیک آدم‌ها هستند؛ مثال:

مادر بزرگ: موهای سفید بیرون زده از زیر روسری، عینک، چادر گلدار و کمر خمیده.

این در حالی است که اگر از تک‌تک بچه‌ها در مورد مادر بزرگ‌هایشان بپرسیم، شاید هیچ‌کدام مادر بزرگی با این ویژگی‌ها نداشته باشند.

**تمرین:** دو تیپ کاملاً متفاوت را در موقعیت تصادف قرار دهید؛ مثلاً خانم ناظم مدرسه، سر چهارراه یا یک راننده کامیون تصادف کرده است. می‌توانید هر دو تیپی را که می‌خواهید انتخاب کنید. البته تصادف خسارت جانی ندارد و فقط بحثی بین این دو نفر درمی‌گیرد. صحنه تصادف را توصیف کنید و جریان این بحث و گفت‌وگوی چند دقیقه‌ای را بنویسید. وقت نوشتن به لحن و ادبیات هر تیپ دقت کنید.

